ارکان فکری و انسانی انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

انقلاب اسلامی بر چه ارکانی استوار است؟

■ احمد گلستانه

برای شکل‌گیری هر انقلابی یک عنصر فکری و دو عامل انسانی مورد نیاز است که بدون حضور و دخالت هر یک از آن‌ها انقلاب به معنای حقیقی و کامل کلمه شکل نمی‌گیرد و تحقق خارجی نخواهد یافت. این سه عنصر، که عناصر موجده‌ی انقلاب هستند، ارکان انقلاب نامیده می‌شوند.

نویسندگان بسیاری تاکنون در داخل و خارج از کشور در رابطه با ارکان انقلاب اسلامی قلم‌فرسایی کرده و مجموعه‌ای گسترده از نوشته‌ها درباره‌ی انقلاب شکل داده‌اند. اما فاصله‌ی زیاد بسیاری از این مکتوبات با واقعیت و ماهیت انقلاب اسلامی و عدم تجانس و حتی وجود تعارض میان خیلی از این آثار، نیاز به معرفی و ارزیابی دقیق ارکان انقلاب اسلامی از خلال فرمایشات و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب را ضروری می‌سازد.

برای شکل‌گیری هر انقلابی، یک عنصر فکری و دو عامل انسانی مورد نیاز است که بدون حضور و دخالت هر یک از آن‌ها انقلاب به معنای حقیقی و کامل کلمه شکل نمی‌گیرد و تحقق خارجی نخواهد یافت. این سه عنصر، که عناصر موجده‌ی انقلاب هستند، ارکان انقلاب نامیده می‌شوند. این عناصر عبارت‌اند از عنصر فکری که همان ایدئولوژی و مکتبی است که انقلاب بر پایه‌ی آن استوار می‌گردد و عنصر انسانی نیز یکی مردم‌اند و دیگری رهبری.

هرگاه این سه عنصر در کنار هم قرار گیرند و جهت‌گیری یکسان داشته باشند، انقلاب شکل می‌گیرد و واقعیت خارجی می‌یابد. بدیهی است هر چه قوت این سه رکن بیشتر باشد، سرعت شکل‌گیری و پیروزی انقلاب نیز بیشتر خواهد بود.[۱] در ادامه، به بررسی ارکان عمده‌ی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازیم.

الف. مکتب اسلام

انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌ی اندیشه و جهان‌بینی اسلامی استوار است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه‌ی علایقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او، یعنی جهان، اشیا و انسان‌ها مرتبط می‌کند و نیز فهم‌ودرک آدمی از وجود خود و خلاصه همه‌ی چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می‌سازد و آن را بر اداره‌ی مطلوب خود قادر می‌سازد، از این جهان‌بینی الهی ریشه و مایه می‌گیرد و منشعب می‌شود.[۲]

نظر به اینکه دو برداشت انحرافی و متضاد از اسلام در جامعه وجود داشت، که یکی‌فهم کوته‌نظرانه، تعصب‌آمیز و متحجّرانه و دیگری برداشت متجددانه و تساهل‌آمیز،[۳] رهبر انقلاب برداشت صحیح را با نام اسلام ناب معرفی می‌کنند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجّر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری وبی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرت‌ها و خلاصه اسلام ناب محمدی (ص) جایگزین اسلام آمریکایی گردید.[۴]

اساسی‌ترین مبنای جهان‌بینی الهی و اسلامی، اصل توحید به معنی اعتقاد به وجود خدا و قدرت غیبی او و حاکمیت علم، قدرت، عزت، جلال، جمال مطلق، اراده و مشیّت او بر هستی است[۵] و همه‌ی امور دیگر به نحوی از انحاء به توحید باز می‌گردند. یکی از نکات برجسته و قابل توجه در زمینه‌ی انقلاب اسلامی ایران این بود که دین اسلام سازنده‌ی فرهنگ ملّی شد و به همین جهت اموری نظیر جهاد، شهادت، پیروی از انسان باتقوا و عادل، بیزاری از ظلم و ظالم، اتحاد و همبستگی، توکل به خدا و... در متن این فرهنگ قرار گرفت و خمیرمایه‌ی حرکت انقلابی مردم شد و پیروزی را برای مردم به ارمغان آورد.[۶]

رهبر فرزانه‌ی انقلاب درباره‌ی نقش اسلام به‌عنوان یکی از ارکان انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «در همه‌ی این حوادث و با نگاهی وسیع‌تر در سرگذشت یازده‌ساله‌ی نظام اسلامی و اساساً در پیدایش این نظام و مقدمات آن و مبارزاتی که به آن منتهی شد، صحنه‌پرداز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام و عقیده و ایمان و تربیت اسلامی است. هم ملت ایران، که با قیام شجاعانه‌اش در برابر نظام سلطه‌ی جهانی و برضد ابرقدرت‌های شرق و غرب، کاری عظیم و بی‌سابقه انجام داد، هم رهبر و قائد عظیم‌الشأن این انقلاب که مثل کوه در برابر همه‌ی بادهای مخالف ایستاد و هجوم طوفان‌ها را شکست، اما خود کمترین تکانی نخورد؛ هم نظام نوین اسلامی که توانست کشور را بدون اندک تکیه‌ای به بیگانگان اداره کند و جنگی را که محل تلاقی نیروهای شرق و غرب بر ضد او بود و نزدیک به سه‌چهارم سالیان پس از پیروزی را فرا گرفت، بدون گرایش به هیچ طرف و فقط با تکیه بر خود، شرافتمندانه و با عزت و پیروزی به پایان بَرَد، همه و همه توان خود را از اسلام گرفته‌اند و اسلام جوهر اصلی این حوادث شگفت‌آور و مایه‌ی حقیقی قدرت و صلابت و عزتی است که ایران و ایرانی و ملت و رهبر و انقلاب و نظام ما، در تاریخ معاصر از خود بروز داده‌اند.»[۷]

ایشان مشروعیت انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را به تفکر اسلامی و استواری این بنا بر پایه‌ی اسلام می‌دانند و معتقدند مردم در جریان انقلاب اسلامی، امام را با اسلام شناختند و به‌خاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام پشت سر ایشان راه افتادند و از ایشان تبعیت کردند.[۸] از دیدگاه رهبر انقلاب، رکن اسلامی انقلاب بزرگ‌ترین مانع در مقابل نفوذ خائنانه‌ی بیگانگان و همچنین سلطه‌ی غیرمشروع و غیرمنطقی افراد فاسد است. ایشان در تبیین چرایی این امر می‌فرمایند:

«... اسلام، در وهله‌ی اوّل دو عنصر بزرگ در درون خود دارد که یکی عبارت است از احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان و دوم جلوگیری از نفوذ غارتگران و طاغوت‌ها و قدرتمندان نابحق و ظالم و ستمگر جهانی. در کلمه‌ی توحید، این‌ها وجود دارد، «لااله‌الاالله»»[۹]

در جمع‌بندی رکن اسلامیت انقلاب، می‌توان گفت از دیدگاه معظم‌له: «... آنچه که ما داریم، به برکت اسلام داریم. به وجود آمدن انقلاب، به برکت اسلام بود. اگر ایمان اسلامی و عمق این ایمان در دل‌ها نبود، امکان نداشت بعد از آن سوابقی که همه از

*** قدرت و قوت رهبری در انقلاب اسلامی با اتکای به اسلام، ناشی از موقعیت دینی اوست که مشروط به برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر فقاهت، عدالت، علم، معرفت، زهد، مدیریت، شجاعت، بینش سیاسی و تدبیر است؛ بر خلاف انقلاب‌های دیگر، که غالباً انسان‌هایی به‌عنوان سیاستمدار حرفه‌ای با تکیه بر زر و زور و تزویر در جایگاه رهبری قرار می‌گیرند.**

گذشته‌های این کشور ـبه‌خصوص در قرن اخیرـ می‌دانید، هیچ دست نیرومندی بتواند این مردم را به حرکت در بیاورد... پایداری این مردم بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل و بقا و ریشه‌دار شدن جمهوری اسلامی تا وضع کنونی و پیشرفت‌ها در جهات مختلف و سرنوشت جنگ تحمیلی و سرنوشت جنگ‌های فراوانی که ما تاکنون در دنیای سیاسی و اقتصادی داشته‌ایم و همه به سمت پیروزی حق بوده است (اگرچه در بسیاری از آن‌ها در نیمه‌ی راه قرار داریم) همه‌ی آن‌ها مرهون ایمان اسلامی ما و اعتقادات اسلامی این مردم است؛ ما باید آن را حفظ کنیم...»[۱۰]

ب. رهبری

قدرت و قوت رهبری در انقلاب اسلامی با اتکای به اسلام، ناشی از موقعیت دینی اوست که مشروط به برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر فقاهت، عدالت، علم، معرفت، زهد، مدیریت، شجاعت، بینش سیاسی و تدبیر است؛ بر خلاف انقلاب‌های دیگر که غالباً انسان‌هایی به‌عنوان سیاستمدار حرفه‌ای با تکیه بر زر و زور و تزویر در جایگاه رهبری قرار می‌گیرند.[۱۱] امام راحل، با برخورداری از همه‌ی ویژگی‌های مورد نیاز برای رهبری دینی و الهی، سکانِ انقلاب اسلامی را به دست گرفت و هدایت پیامبرگونه‌ی خود را بر جهانیان آشکار ساخت. یکی از تفاوت‌های عمده‌ی ایشان با دیگر مصلحان تاریخ اسلام این بود که ضمن حضور در صحنه، اصول مکتب سیاسی خود را برای مردم تبیین نمود و آنان را به ایمان روشن‌بینانه و آگاهانه رساند[۱۲] و پس از اثبات حقانیت مکتب سیاسی خود، توانست ملت ایران را آرام‌آرام وارد میدان مبارزه کند، به همراهی این اقیانوس عظیم پرتلاطم، انقلاب بزرگ اسلامی را شکل دهد و در نتیجه، آثار شوم تسلط قدرت‌های طاغوتی را در این کشور برطرف و دنیا را متحول کند؛ به‌گونه‌ای که حرکت او با هیچ حرکتی از صدر اسلام تاکنون قابل مقایسه نیست.[۱۳]

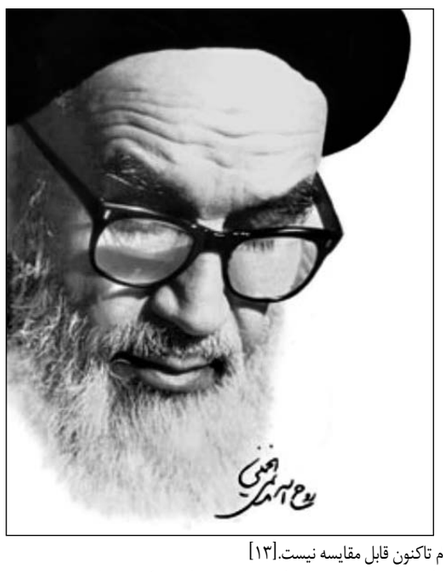

امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار و رهبر این حرکت در انقلاب خود به مردم با همان چشمی نگاه می‌کرد که پیامبران نگاه کرده بودند. پیامبران دنبال آدم‌های برجسته و ممتاز نبودند؛ بلکه در پی انسان‌های مؤمن و توده‌ی مردم می‌گشتند. امام هم در این انقلاب دنبال خواص نمی‌گشت، بلکه به توده‌ی مردم دل می‌داد، با آن‌ها حرف می‌زد و با آن‌ها رابطه داشت.

دل دادن به توده و متن مردم و همان کسانی که سنگین‌ترین بارهای دفاع از انقلاب و کشور بر دوش آن‌هاست، از ویژگی‌های رهبری امام (ره) بود. مردم هم به آن بزرگوار پاسخ مناسب دادند و به همین‌خاطر توانستند این انقلاب را از راه‌های صعب‌العبور و خطرناک عبور دهند و بگذرانند.[۱۴] عامل اصلی موفقیت امام در حرکت خود در درجه‌ی اول ناشی از اخلاص بی‌نظیر او و در درجه‌ی دوم در پرتو توکل و حسن ظن او به خدا بود. در نظر امام (ره)، پیروزی این نبود که بتواند آن کاری را که می‌خواهد، انجام بدهد، بلکه پیروزی این بود که بر طبق تکلیف خود عمل کند. با این روحیه و احساس و انگیزه، او کار را پیش برد و ادامه داد. امام دو خصوصیت دیگر هم داشت، که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. او در شناخت دشمنان و دوستان اشتباه نکرد. او همیشه بر مردم و ملت‌ها تکیه می‌کرد.[۱۵]

مقام معظم رهبری، در توصیف نقش و جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، می‌فرمایند: «اگر نظام جمهوری اسلامی و این انقلاب بزرگ و جهانی را و رستاخیز عظیمی که در دنیا به وجود آمده و رستاخیز عظیم‌تری که در درون انسان‌ها پدید آمده و این تحولی که مس‌ها را طلا کرده است، کلمه‌ی طیبه و شجره‌ی طیبه بدانیم ـکه هستـ ریشه‌ی این شجره‌ی طیبه، همین شخصیت عظیمی است که همه چیز از او روییده. او بود که این درخت مبارک را رویاند. او همه چیز بود و اگر نبود، ما هیچ چیز نداشتیم.»[۱۶]

ج. مردم

بزرگ‌ترین اهرم پیشبرد انقلاب اسلامی، حضور عظیم توده‌های میلیونی مردم در عرصه‌های انقلاب بود که با ایمان نافذ و عمیق از یک سو و معرفت و آگاهی بالا از سوی دیگر، به ندای رهبرشان لبیک گفتند و در پرتو هدایت‌های روشنگرانه و پیامبرگونه‌ی او، صبر و مقاومت و استقامت را پیشه‌ی خویش ساخته و عاقبت شهد گوارای پیروزی بر نظام سلطه را نوشیدند.[۱۷]

یکی از بارزترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی، که در کمتر انقلابی نظیر آن وجود داشته است، مردمی بودن آن است؛ به‌گونه‌ای که همه‌ی ملت ایران در شهر و روستا، از کوچک و بزرگ، زن و مرد در آن مشارکت داشتند. بر خلاف انقلاب‌های بزرگ دنیا که طبقات خاصی از جامعه در آن نقش‌آفرینی کردند.[۱۸] مقام معظم رهبری، در بیان دلیل اینکه مردم صاحبان اصلی نظام و انقلاب‌اند، این‌گونه می‌فرماید: «مردم صاحبان این نظام هستند به چند دلیل؛ اولاً، چون اسلام بیشترین حق را در اداره‌ی نظام‌های اجتماعی به مردم می‌دهد و هر دستگاه حاکم را یک دستگاه خدمتگزار برای مردم می‌داند. ثانیاً، چون مردم تشکیل‌دهندگان و به وجودآورندگان این نظام بودند، زیرا این نظام مبتنی بر یک انقلاب بود و آن انقلاب را مردم به وجود آوردند. ثالثاً، چون دخالت و نظارت مردم بیشترین تضمین را برای حفظ این نظام از انحراف می‌کند.»[۱۹]

ایشان مردم را مهم‌ترین و راسخ‌ترین عمود خیمه‌ی انقلاب و نظام اسلامی می‌دانند و معتقدند علقه و رابطه‌ی دوطرفه میان مردم و انقلاب و رهبری آن ناشی از بنای انقلاب و نظام اسلامی بر عقیده‌ای مستحکم و ایمانی صادقانه است و کسی جز خداوند نمی‌تواند چنین دل‌های مردم را به انقلاب جذب کرده و سبب محبت، اتحاد و وحدت آنان در راستای اهداف انقلاب و نظام اسلامی شود.[۲۰]

نقش و جایگاه مردم و مصالح آنان در اسلام و انقلاب ناشی از آموزه‌ها و تعالیم آن تا بدان حد است که رهبر انقلاب را به بیان یک قاعده‌ی کلی در این باره می‌رساند و آن این است که «هر چیزی که شما دیدید، به نظرتان اسلامی است؛ اما از صلاح مردم مجرد است، بدانید در شناخت و فهم اینکه آن اسلام است، اشتباه می‌کنید یا در فهم خود آن شیء محققاً اشتباهی وجود دارد.»[۲۱]

اهمیت حضور و پشتیبانی مردم برای تحقق اهداف و آرمان‌های الهی تا بدان‌جاست که معظم‌له تحقق حق در عالم خارج بدون حمایت و همراهی مردم را امری ذهنی و حقیقتی صرفاً معنوی می‌دانند.[۲۲](*)

* پی نوشت:

[۱]سخنرانی ۲ خرداد ۱۳۶۷.
[۲]بیانات در چهل‌ودومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۳ شهریور ۱۳۶۶.
[۳]بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۷۴.
[۴]پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۰ خرداد ۱۳۶۹.
[۵]بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۲ دی ۱۳۷۷.
[۶]بیانات در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۶۴.
[۷]پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰ خرداد ۱۳۶۹.
[۸]بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۷ خرداد ۱۳۸۲.
[۹] بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۲۶ شهریور ۱۳۸۲.
[۱۰]بیانات در دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۳۰ آذر ۱۳۷۰.
[۱۱]پیام به نشست دانشجویان در آمریکا و کانادا، ۸ دی ۱۳۶۷، بیانات در مراسم دهه‌ی فجر ۱۲ بهمن ۱۳۶۷.
[۱۲]بیانات در سالگرد ارتحال امام راحل، ۱۴ خرداد ۱۳۸۲.
[۱۳]پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۰ خرداد ۱۳۶۹ و سخنرانی در جمع جهادگران، ۲۸ خرداد ۱۳۷۰ و بیانات در جمع اساتید و دانشجویان بسیجی، ۱۸ خرداد ۱۳۸۲.
[۱۴]سخنرانی در مراسم بیعت امام جمعه و نماینده‌ی ولی‌فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان، ائمه‌ی جمعه و قشرهای مختلف مردم کرج، شیروان، قوچان، کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور، ۴ تیر ۱۳۶۸.
[۱۵]خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۳ تیر ۱۳۶۸.
[۱۶]سخنرانی در مراسم بیعت گروه کثیری از جانبازان و نیروهای جهادی احداث ساختمان مرقد مطهر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به همراه وزیر راه و ترابری، مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و مسئول حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره)، ۲۸ تیر ۱۳۶۸.
[۱۷] بیانات در دیدار با نلسون ماندلا، ۳۱ تیر ۱۳۷۱ و بیانات در مراسم افتتاحیه‌ی دهه‌ی فجر، ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ و بیانات ۲۵ تیر ۱۳۶۶.
[۱۸]بیانات در نماز جمعه، ۲۷ آبان ۱۳۶۲ و ۲۳ آبان ۱۳۶۵.
[۱۹]مصاحبه‌ی پیرامون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۵.
[۲۰]سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، ۱۹ تیر ۱۳۶۸.
[۲۱]سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹ بهمن ۱۳۶۸.
[۲۲]بیانات در دیدار مردم استان قم به‌مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۹ دی ۱۳۸۳.

«کلودیا روت» را بهتر بشناسیم

برگزارکنندگان «کنفرانس برلین» در ایران چه می‌کنند؟

***سفر کلودیا روت به ایران و دیدار غیر دیپلماتیک و خارج از عرف سیاسی با محمدرضا عارف نگاه‌ها را به وی معطوف کرده است. روت نایب‌رئیس مجلس قانون‌گذاری آلمان و یکی از اعضای اصلی حزب سبز آلمان است. سبزهای آلمان دیدگاهی منتقدانه نسبت به رشد افسارگسیخته اقتصادی دارند و تحت پوشش حمایت از محیط‌زیست فعالیت قابل‌توجه سیاسی انجام می‌دهند.**

انقلاب‌های مخملی برای همسوسازی حکومت‌ها با غرب شیوه‌ای متداول در عصر حاضر است که در چند کشور جهان که برای غربی‌ها اهمیت استراتژیک داشته، پیاده‌سازی شده است.

کشور اوکراین که امروز نیز به‌واسطه جنگ قدرت‌های بزرگ در آتش جنگ داخلی که ریشه در تحولات بین‌المللی دارد می‌سوزد، یکی از عمده کشورهایی است که پروژه انقلاب مخملی در آن با موفقیت درگذشته عملیاتی شد و بعد از کسب این موفقیت غربی‌ها اوکراین را به‌عنوان الگوی عملی انقلاب مخملی در سایر کشورهای جهان موردتوجه قراردادند.

ردپای آلمان در انقلاب نارنجی اوکراین

اما نقش اتحادیه اروپا و ازجمله آلمان در انقلاب مخملی اوکراین بسیار پررنگ و قابل‌ملاحظه است. آلمانی‌ها در سیاست جدید خود برای فعال‌سازی دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در راستای منافع این کشور دست‌به‌کار شده‌اند.

در همین راستا "یوآخیم گاوک"(gauk) رئیس‌جمهور آلمان در سخنرانی خود به مناسبت روز ملی آلمان در سال ۲۰۱۳ و همچنین در کنفرانس امنیتی مونیخ در ۲۰۱۴ گفت: «آلمان باید برای به دست آوردن چارچوب مقررات جهانی و شکل دادن به آن مصممانه‌تر در سیاست جهانی شرکت کند.»

۵۰ تن از کارشناسان سیاست خارجی آلمان، ازجمله چند تن از روزنامه‌نگاران، پس از یک سال کار، در ماه اکتبر ۲۰۱۳، گزارشی رامنتشر ساخته و خواستار ارزیابی تازه سیاست خارجی آلمان شدند. فارغ از اقدامات نظامی آلمان در کشورهای آفریقایی؛ اینک فعالیت آلمان در «کی‌یف،نشان می‌دهد که سیاست خارجی جدید آلمان یک وجهه غیرنظامی نیز دارد».

روزنامه «تاگس اشپیگل»شادمانه می‌نویسد که اوکراین نشان داد اگر دیپلماسی آلمان با اعتماد به نفس به میدان بیاید، می‌تواند به چه نتایجی دست یابد. و بالاخره اینکه حالا فهمیدیم که منظور دولت ائتلاف بزرگ چیست وقتی سخن از نقش فعال‌تر آلمان در سیاست جهانی می‌گوید.

حضور آلمانی‌ها در تحرکات سیاسی در اوکراین بیشتر به جهت رقابت سیاسی با روسیه مفهوم پیدا کرد. اما ازاین‌جهت آلمانی‌ها توانستند به تجربه خاصی از دخالت سیاسی و مدیریت نرم در سیاست خارجی خود کسب کنند که آن را در عالم واقع‌شدنی و موفقیت‌آمیز قلمداد می‌کنند.

نقش رسانه‌های آلمانی در هدایت افکار عمومی اوکراین نیز در اینجا جالب‌توجه است. اوکراین که به‌عنوان یکی از کشورهای اروپایی علاقه‌مند پیوستن به اتحادیه اروپا بود، ازاین‌جهت نگاهی ویژه به مطبوعات و رسانه‌های اروپایی داشت.

سیاست پیوستن به اتحادیه اروپا از سال۲۰۰۷ توسط «لئونید کوچما» دومین رئیس‌جمهور کشور مستقل اوکراین موردتوجه قرارگرفته است. در یک دورخیز سیاسی، کوچما درخواست رسمی برای عضویت در اتحادیه اروپا داد و بیان کرد که کشورش تا سال ۲۰۰۷ می‌تواند به استانداردهای لازم برای عضویت در اتحادیه اروپا برسد. چیزی که نه‌تنها تاکنون محقق نشده بلکه منشأ اختلافات بزرگی هم در جامعه اوکراین شده است. همین موضوع دست‌آویز برای تخریب دولت اوکراین برای آماده‌سازی افکار عمومی این کشور در جهت اجرای پروژه انقلاب مخملی شد.

در همین زمینه «ویتالی کلیتشکو» از طرف رسانه‌های غربی بخصوص آلمان، در حد رهبر اعتراضات نوامبر ۲۰۱۳ م. معرفی‌شده است. وی بعد از پا گذاشتن به عرصه اعتراضات به‌طور ممتد به فساد هیئت حاکمه اشاره‌کرده است.

وی در گفت‌وگو با «روزنامه فرانکفورتر آلگمانیه» آلمان بیان داشت: «اوکراین یکی از فاسدترین کشورهای اروپاست و نزدیکی آن به اتحادیه اروپا، اصلاحات زیادی را می‌طلبد که این اصلاحات؛ برای دولت اوکراین، «تجارت‌های سیاه» را غیرممکن می‌کند.بنابراین رئیس‌جمهوری ما، هیچ علاقه‌ای به اروپا ندارد». او همچنین، در گفت‌وگو با یک روزنامه آلمانی دیگر اظهار کرد: «قرارداد تجاری با اروپا برای ما به‌عنوان امیدی برای اصلاحات هست و باقی می‌ماند. به‌این‌ترتیب، این امید زنده می‌ماند که ما کشور خود را اساساً تغییر داده و بر فساد رایج غلبه کنیم. ما از زمان استقلال در ۲۲ سال پیش، به این مسئله امیدواریم؛ این امید نباید بمیرد».

«کلیتشکو» همچنین در گفتگو با «شبکه خبری دویچه وله» آلمان، گفته بود که سیستم سیاسی اوکراین فاسد است و بزرگ‌ترین ترس و نگرانی‌اش، شکست خوردن در مسیر اصلاحات اساسی است.

از سوی دیگر حمایت از مخالفین دولت اوکراین و همچنین اپوزیسیون سازی در دستور کار دولت آلمان در این زمینه قرار گرفت و آلمانی‌ها جنبش دانشجویی «جوانان پورا» را موردحمایت خود قراردادند.«پورا» جنبشی بالغ‌بر ۱۰۰۰۰ فعال دانشجو بود که در انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ م. از سوی«ائتلاف سازمان‌های غیردولتی اوکراین برای آزادی انتخابات» حمایت و بودجه‌اش از طرف «بنیاد جامعه باز»- متعلق به جورج سوروس- تأمین می‌شد. «پورا» به‌واسطه ائتلاف فوق، با سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس در «کیف» و «نهاد فردریش ابرت» آلمان، در ارتباط بود. جنبش پورا به معنی حالا وقتشه است که به‌عنوان رمز فتنه‌گری در اوکراین و پس‌ازآن در فتنه سال ۸۸ در ایران نیز از آن الگوسازی شد.

هفته‌نامه اشپیگل چاپ آلمان در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۵ درباره این جریان به بخشی از واقعیت اشاره می‌کند و چنین می‌نویسد: «از ژانویه ۲۰۰۴ جنبش «پورا» در اوکراین شکل گرفت. «پورا» به معنی«حالا وقتشه!» است. همزمان رهبران اپوزیسیون در جلوی صحنه صف‌آرایی کردند. ویکتور یوشچنکو و یولیا تیموشنکو کسانی بودند که روی آن‌ها سرمایه گذاری شده بود. ۶۵ میلیون دلار تنها از مالیاتی که مردم آمریکا می‌پردازند، از سال ۲۰۰۲ آن هم فقط از صندوق وزارت امور خارجه آمریکا برای انتخابات اوکراین خرج شد.»

اما هفته‌نامه اشپیگل همه واقعیت را بازگو نکرد. جنبش جوانان پورا که از طرف ائتلاف سازمان‌های غیردولتی اوکراین برای آزادی انتخاب «Freedom of Choice Coalition of Ukrainian NGOs» حمایت می‌شد، با توجه به مدل جنبش‌های دانشجویی اوپتور «Optor» در صربستان و کمارا «Kmara» در گرجستان تشکیل شد. ائتلاف برای آزادی انتخاب در اوکراین به‌عنوان یک چتر سازمانی عمل کرد. این سازمان غیردولتی مستقیماً از طرف سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس در کیف، و از طرف آلمان از طریق نهاد فردریش ابرت اشتیفتونگ«Fredrich Ebert Stiftung»(که یک‌نهاد مرتبط با سوسیال‌دمکرات‌های حاکم است) موردحمایت قرار گرفت.

حال آلمانی‌ها سعی دارند این تجربه خود را در دیگر کشورها نیز به منصه ظهور بگذارند و ازاین‌جهت نقش فعال‌تری برای سیاست خارجی خود با استفاده از انواع مختلف دیپلماسی ازجمله دیپلماسی پارلمانی و عمومی قائل شده و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند.

کلودیا روت و دیدار با محمدرضا عارف

البته سبزهای آلمان، پیش از سفر روت به ایران نیز به وقایع داخلی ایران علاقه‌مند بودند و کنش‌های سیاسی در این زمینه انجام داده‌اند. نگاهی به این کنش‌های سیاسی می‌تواند دیدگاه کامل‌تری از علت دیدار عجیب روت و عارف و حمایت گستاخانه وی از فتنه‌گران به ما بدهد.

حمایت مداوم حزب سبز آلمان از فتنه‌گران

جالب اینجاست که حزب سبز آلمان در موضعی گستاخانه نسبت به وقایع پس ازانتخابات سال ۸۸ و بعدازآن حصر سران فتنه نسبت موضع افراطی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است. این حزب در بهمن‌ماه سال ۹۰ با صدور بیانیه‌ای گستاخانه ایران را متهم به «آدم‌ربایی حکومتی» کرد. نکته جالب‌توجه دیگر در صدور این بیانه این است که بیانیه مذکور با امضاء خاص خانم روت همراه شده است.

روت در این بیانیه با متهم کردن جمهوری اسلامی ایران نوشته است: «۱۴ فوریه سالگرد ربایش و حصر میرحسین موسوی و همسرش زهرا رهنورد و مهدی کروبی رهبران جنبش دموکراسی خواهی ایران به دستور حکومت ایران است. این افراد، به همراه صدها معترض دیگر، به‌طور غیرقانونی بازداشت شدند. این دستگیری‌ها نه‌تنها خلاف کلیه قوانین بین‌المللی است بلکه قوانین ایران را نیز زیر پا گذاشته است.»

همایش مشترک سبزهای آلمان و فتنه‌گران سبز

البته پیش‌ازاین حزب سبز آلمان همبستگی خود را با فتنه‌گران سبز ایرانی اعلام کرده بودند. در همین راستا در شهر دورتمند آلمان همایش همبستگی سبزهای آلمان و سبزهای فتنه‌گر برگزار شد. جالب اینجاست که خانم کلودیا روت یکی از سخنرانان این همایش بوده است و ازاینجا بهتر می‌توان متوجه شد که اشراف اطلاعاتی وی در مورد جریان فتنه سال ۸۸ به چه خاطر است.

روت، دبیر اول حزب سبزهای اول آلمان در این همایش مواضع ایران و به‌ویژه سخنان جواد لاریجانی نماینده ایران در سازمان ملل را زیر سؤال برد و با توجیه علت دخالت آلمان در امور داخلی ایران بیان داشته: «اگر حقوق بشر در ایران با این شدت زیرپا گذاشته می‌شود، مردم سرکوب، شکنجه، اعدام، زخمی و کشته می‌شوند، وقتی چنین سیاستی در قبال تأسیسات اتمی اتخاذ می‌گردد، آزادی اطلاعات محدود می‌شود، اینترنت سانسور می‌گردد، آزادی

*** آنچه درباره حزب سبز آلمان باید دانست این است که این حزب علیرغم مواضع کنونی خود که نوعی از لیبرالیسم افراطی را در مقایسه با احزاب محافظه‌کار آلمانی ارائه می‌دهد، در اساس بر خاسته از گروه‌های کمونیست افراطی دهه هفتاد و بخصوص جنبش دانشجویی چپ آلمان غربی است.**

مطبوعات زیرپا گذاشته می‌شود، حق تظاهرات از مخالفین سلب می‌شود، ما باید دخالت کنیم، دنیا باید با شدت و جدیت دخالت کند.»

میزان دخالت حزب سبزهای ایران البته به این موارد منحصر نمی‌شود. سبزهای آلمان که نگاه ویژه‌ای به امور داخلی ایران دارند و به‌عنوان یک حامی اپوزیسیون ایران در آلمان فعالیت می‌کنند، تحت پوشش موضوع حقوق بشر به مسئله بهایی‌ها نیز پرداخته و ایران را متهم به نقض حقوق عناصر بهایی وابسته به انگلیس کرده است.

سبزهای آلمانی در حمایت از اپوزیسیون ایران پیگیر مسئله حصر سران فتنه نیز هستند. آنان در الگوی عملی اوکراین توانستند یولیا تیموشنکو که به علت اختلاس و فساد مالی گسترده زندانی‌شده بود را با ترفندهای سیاسی آزاد کنند. از همین رو در ایران نیز موضوع حصر سران فتنه را در دستور کار خود قرار داده‌اند و به‌طور مستمر این موضوع را تحت پوشش مطالبات حقوق بشری از ایران مطرح می‌کنند.

جالب اینجاست که چند ایرانی در حزب سبز آلمان فعال هستند و همین موضوع سبب شده که عطش سبزها برای دخالت در امور ایران بیشتر شود.

از برگزاری همایش جنجالی برلین تا حمایت از منافقین

یکی از مهم‌ترین فعالیت سبزها در قبال مسائل ایران، برگزاری کنفرانس جنجالی برلین توسط نهاد فرهنگی- سیاسی زیرمجموعه این حزب با عنوان «بنیاد هاینریش بل» در سال ۲۰۰۰ بود. واسطه توجه حزب سبز به ایران، دوستان کمونیست سابق سبزها در آلمان هستند که پیش از انقلاب همچون آن‌ها عقاید افراطی مارکسیستی داشتند و حالا هم‌راستا با ایشان همگی به لیبرالیسم افراطی گرویده‌اند. افرادی از قبیل حسن ماسالی - مسئول امور ایران در حزب سبزهای آلمان - و بهمن نیرومند که پیش‌ازاین عضو احزاب چپ آلمان بودند و حالا در حزب سبزها عضویت رسمی دارند.

به همین دلیل، حزب سبزهای آلمان ضدیت‌های فراوانی با جمهوری اسلامی نشان داده است؛ تا جایی که «یوشکا فیشر» وزیر وقت خارجه آلمان، دارای بیشترین ارتباط در سطح اروپا با مسعود رجوی، رهبر گروهک منافقین، است. در نامه‌های یوشکا فیشر به رجوی که در مطبوعات آلمان منعکس می‌شد، وی با لفظ «مسعود عزیز» از رجوی نام می‌برد. «مریم قجر عضدانلو»- همسر سابق مهدی ابریشم‌چی و همسر فعلی رجوی- چندی پیش از کنفرانس برلین، در کنگره زنان حزب سبزها شرکت و به سخنرانی علیه جمهوری اسلامی پرداخت.

آنچه درباره حزب سبز آلمان باید دانست این است که این حزب علیرغم مواضع کنونی خود که نوعی از لیبرالیسم افراطی را در مقایسه با احزاب محافظه‌کار آلمانی ارائه می‌دهد، در اساس بر خواسته از گروه‌های کمونیست افراطی دهه هفتاد و بخصوص جنبش دانشجویی چپ آلمان غربی است. هرچند که مواضع امروز حزب سبزها در قبال ایران، خاورمیانه و مسائل کشورهای جهان سوم، نشان می‌دهد این حزب راه خود را از آرمانهای دانشجویان دهه هفتاد جدا کرده است.

این حزب، میراث‌خوار آخرین